

آثار استادان و هنرمندان شیرازی طی قرون گذشته در سرزمینهای دور از خاک فارس منحصر به آنچه اجمالاً دربارهٔ ابنیهٔ عالی آرامگاه اعتمادالدوله و تاج محل اشاره شد نبوده است بلکه سالیان دراز پیش از نفوذ هنر فارس و فارسیان به شبه قارهٔ هند و پاکستان ابنیهٔ نفیس بس شیوائی در مشهد مقدس و نقاط دورتر از آن در خطهٔ خراسان بوسیلهٔ استادان زبردست شیرازی احداث گردیده است که همگی آنها از بهترین و درخشانترین مظاهر دینی و ملی و فرهنگی و هنری ایران بشمار می‌رود و نمونه‌های آن از نوشته‌هایی که ذیلاً نقل می‌گردد بخوبی پدیدار است:

۱- در قسمت پائین پایه‌های طرفین ایوان بزرگ جلو مقصودهٔ مسجد گوهرشاد مشهد بر جبههٔ طرف صحن بخط ثلث باکاشی معرق سفید بر زمینهٔ لاجوردی چنین نوشته‌اند:

بر پایهٔ جانب راست: اتفق تحریرها فی اوائل شهر الله المبارک رجب
المرجب سنه احدى عشرین وثمانمائه .

بر پایهٔ جانب چپ: عمل العبد الضعیف المحتاج لعنايت الملك الرحمن
قوام الدین بن زین الدین شیرازی الطیان (کلمه طیان مشتق از طین - بمعنی خاک -
بوده مقصود از آن شغل معماری توأم با هنر کاشی‌پزی و کاشیکاری است و همان‌طور که
ازین کلمه برمی‌آید استاد قوام الدین شیرازی هنر معماری و کاشیکاری خود را در
مسجد جامع گوهرشاد بکار بسته است) (۱).

۲- در جانب راست ایوان بزرگ و بلند بقعهٔ تربت جام بر روی دیوار صحن درون
لوحةٔ ده ضلعی کاشی معرق بخط ثلث سفید بر متن لاجوردی چنین نگاشته شده است:
هذه العمارة عمل العبد الضعیف استاد حاجی (محمود) (۲) زین جامع

(۱) بناهای تاریخی دیگر هم در مشهد هست که میتوان از جملهٔ آنها مسجد شاه و مدرسهٔ شاهرخ یا مدرسهٔ دو در و مدرسهٔ پریزاد را نام برد که هم‌زمان با مسجد گوهرشاد ساخته شده نام سلطان شاهرخ تیموری نیز در بعضی نوشته‌های آنها موجود است و یقیناً این ابنیه هم ساخته و پرداختهٔ همان استادان سازنده و کاشیکار مسجد گوهرشاد میباشد.

(۲) نام محمود بر روی لوحه بخط ریزتر از سایر کلمات و بر بالای کلمه حاجی مرقوم رفته است و میتوان گمان نمود که مقصود از آن نام نویسنده خط یا نام استادیکه زبردست استاد اصلی کار میکرده است باشد.

شیرازی غفر الله له فی سنة اربع واربعمین وثمانمائه .

۳- در مدرسه خرگرد بر دیوار ایوان روبروی درب ورود مدرسه روی لوحه کاشی معرق بخط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی چنین نوشته شده است :

بنت هذة المدرسة المباركة الغياثیه علی يد العبد المرحوم استاد
قوام الدین شیرازی وتمت بعمل استاد غیاث الدین شیرازی .

مدرسه غیاثیه خرگرد که استاد سازنده آن بشرح کتیبه بالا استاد قوام الدین شیرازی بوده و بوسیله استاد غیاث الدین شیرازی ساختمان آن پایان پذیرفته است طبق آنچه در کتیبه سر در مدرسه مزبور مرقوم رفته در سال ۸۴۸ هجری با تمام رسیده است. هر سه بنای سابق الذکر (مسجد گوهرشاد - ایوان و صحن تربت جام - مدرسه غیاثیه خرگرد) در زمان سلطان شاهرخ تیموری (۸۰۷ تا ۸۵۰ هجری) فرزند امیر تیمور کورگان (۷۷۱ تا ۸۰۲ هجری) احداث گردیده است و بنای اخیر الذکر (مدرسه غیاثیه) از جمله آثاری است که بفرمان **خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی** وزیر سلطان شاهرخ ساخته شده بود (و بهمین مناسبت نام آنرا **مدرسه غیاثیه** گذارده اند که تصادفاً با نام استاد غیاث الدین شیرازی تکمیل کننده و پایان دهنده ساختمان مدرسه نیز تطبیق مینموده است) .

اثر برجسته دیگری هم که بفرمان **خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی** در خراسان ساخته اند بنای مسجد مولانا در قایباد (نزدیک مرز افغانستان که برخی اوقات به غلط آنرا طیبیات مینویسند) است که مشتمل بر شبستان عظیم با پوشش گنبدی آجری بلند و ایوان بس عالی و رفیع بوده در کنار مرقد شیخ زین الدین ابوبکر علی تایبادی عارف ربّانی و عالم روحانی نامی معاصر امیر تیمور میباشد و بنام آن بزرگوار بنا گردیده است (۱). تاریخ اتمام ساختمان این بنای عالی هم طبق آنچه

(۱) مرقد شیخ زین الدین ابوبکر علی تایبادی در جلو ایوان مسجد مولانا در صحن حیاط قرار گرفته اطراف آن محجر مشبکی از سنگ سیاه رنگ متعلق بزمان شاه عباس بزرگ قرار داشت که اکنون قطعات آنرا درون یکی از اطاقهای کنار ایوان نگاهداری میکنند و طبعاً باید در محل خود بوضعی اطمینان بخش نصب گردد ، مرقد شیخ الاسلام احمد جامی نیز بهمین ترتیب در جلو ایوان بلند بنای تربت جام قرار دارد و این سبک زیارتگاه که مرقد داخل حرم وزیر سقف نباشد معمول به مشرق خراسان و خاک افغانستان بوده بارویه و عقیده اهل سنن بهتر مطابقت مینماید .

در کتیبه بدنه جنوبی ایوان آن مرقوم رفته است سال ۸۴۸ هجری است و از روی قرائن مختلف وضع اصلی ساختمان و طرح ایوان و تزئینات کاشیکاری آن بخوبی برمیآید که استادسازنده آن همان استاد غیاث الدین شیرازی بوده که بنای مدرسه غیاثیه خرگرد را با تمام رسانیده است (۱).

بجرت هر چه تمامتر میتوان گفت که کاشیکاری معرق توأم با قطعات فراوان کوچک سنگ مرمر هندسی شکل ازارة مسجد مولانا (۲) و کاشیکاری معرق فیروزه فام کتیبه بزرگ حاشیه بیرون ایوان بنای مزبور که خطوط نوشته ثلث شیوای آنرا با آجر تراشیده درون کاشی معرق فیروزه رنگ نصب کرده اند و انواع کاشیکاریهای معرق دیگر که در کتیبه های متعدد داخل ایوان این بنای عالی بکار بسته اند و طرحهای کاشیکاری معقلی آن و بطور اجمال هنر نمائی فوق العاده که در این بنای تاریخی معظم و زیبا بکار بسته اند در کمتر بنای تاریخی ایران سراغ میرود و حقیقتاً برای درك يك چشمه هنر استادان زبردست معمار و کاشیکار شیراز در قرن نهم هجری از هر جهت مناسبت دارد که چهار بنای مسجد گوهرشاد و بقعه تربت شیخ جام و مدرسه غیاثیه خرگرد و بخصوص مسجد مولانا در تایباد مورد بازدید و بررسی قرار گیرد.

باتوجه بمراتب بالا این نکته جلب توجه میکند که آیا وجود چند نفر استاد عالیقدر و هنرمند شیرازی (استاد قوام الدین - استاد حاجی زین جامع - استاد غیاث الدین) در نیمه اول قرن نهم در خراسان امر اتفاقی بوده یا عامل مخصوصی باعث سوق دادن استادان مزبور در يك زمان به آن خطه شده است.

برای پاسخ باین پرسش باید گفت که امیر تیمور گورکانی پس از پیروزی بر نواحی و شهرهای مختلف ایران و آسیای صغیر استادان هنرمند هر رشته را از

(۱) مسافت بین خرگرد و تایباد چندین زیاد نیست و عملار سیدگی و اشتغال با ساختمان هر دو

بنای مورد ذکر امر ممکن و منطقی بنظر میرسد.

(۲) علاقه مندان به اطلاعات بیشتر درباره مسجد مولانا ممکن است به مقاله نگارنده

در کتاب آثار ایران (متن فرانسه - جلد سوم - مجلد دوم - چاپ هارلم ۱۹۳۸) و ذیل آقای

کدار بر مقاله مزبور در همان کتاب مراجعه فرمایند.

مراکز هنری آن زمان به سمرقند آورد و بدینوسیله مجمع هنری و مکتب صنایع ظریفه عالی ازدوران خود درسمرقند بنیاد نهاد و ابنیه متعدد قرن هشتم هجری درسمرقند از جمله مظاهر همین مکتب هنری بشمار میرود که بنای گورامیر - آرامگاه امیر تیمور - مهمترین آنها بشمار میرود (۱).

در نمایشگاه آثار هنری ایران که سال ۱۳۱۴ شمسی در موزه ارمیتاژ لنین گراد تأسیس شده بود قطعاتی از کاشیکاریهای معرق ابنیه دوران امیر تیمور درسمرقند را بمعرض نمایش گذارده در توضیحات مربوط باین آثار مضامینی از کتابهای ظفر نامه شرف الدین و ابن عرب شاه و کلاویخو سیاح و سفیر اسپانیا در دربار امیر تیمور و امیر ابوطالب و گفته های مردم رادر باره مسجد سمرقند و گورامیر نقل و ترجمه نموده بودند از جمله مضامین مزبور این مطلب نقل شده بود که «امیر تیمور استادانی از بصره و بغداد آورد که طرح فرشهای مسجد را مانند آنچه در ابنیه فارس و کرمان است ریختند و فرشهایی نظیر آنچه در ابنیه ایرانست درست کردند و استادانی از حلب آورد که چراغها و شمعه های مسجد را بطرز بناهای حلب ترتیب دادند و در هنگام شب چون ماه فروزندگی پیدا میکرد» .

پس از امیر تیمور چون نوبت سلطنت بفرزندش سلطان شاهرخ رسید مرکز هنری سمرقند به هرات انتقال یافت و اهمیت و توسعه مکتب هرات در قرن نهم هجری از لحاظ هنرهای ظریفه متعدد بحثی جداگانه و بس مهم است که مجال و حوصله ذکر آن در این مقدمه نیست و همین قدر میتوان گفت وجود مکتب بزرگ هنری شیراز در قرن هشتم و نهم هجری که قرآنهاى خطی آستانه شاه چراغ مورخ

(۱) بنای معروف گورامیر مورخ سال ۷۷۳ هجری بوده نام استاد سازنده آن بر لوحه کاشی بالای درب ورودی بنابد ینگونه نوشته شده است : **عمل محمود بن محمد البنا اصفهانی** ، از بناهای دیگر سمرقند که در قرن هشتم هجری بشرح بالا احداث گردیده است نیز میتوان بقعه موسوم به امیرزاده (مورخ به ۷۸۸ هجری) و مقبره های ترکان آغانولگوتکین (۷۷۷ هجری) و شیرین بیک آغا (۷۸۷ هجری) و مسجد شاه زنده رانام برد - ضمناً برای اطلاعات بیشتر درباره مسجد شاه زنده و مزارات سمرقند ممکن است بکتاب قندیه (بکوشش آقای ایرج افشار - از انتشارات کتابخانه طهوری - چاپ تهران - تیر ماه ۱۳۳۴ ش) مراجعه نمود .

به ۷۴۵ و ۷۴۶ هجری (مذکور در صفحه ۶۴ متن کتاب) و کاشیکاریهای ابنیه عالی خراسان مذکور در دستورپیشین نمونه‌ها و گواههای پاینده آن بشمار میرود سهم عمده‌ای را که استادان هنرمند شیراز در مجمع هنری سمرقند و در دنباله آن در مکتب هنری وسیع هرات داشته‌اند نمایان میسازد^(۱) و بجز نت میتوان گفت که اگر بررسی دقیقی از نزدیک نسبت بابنیه تاریخی قرون هشتم و نهم هجری در سمرقند و هرات خصوصاً کاشیکاری آنها بعمل آید و نسخه‌های خطی مزین به تذهیب و مینیاتور آن زمان که از مکتب هنری هرات باقیمانده است از لحاظ سهم استادان شیرازی^(۲) طرف توجه واقع گردد اطلاعات بس فزونتر از آنچه اشاره رفت در این باره فراهم خواهد آمد^(۳) و با در نظر آوردن این امر که سلسله شهریاران مغولی

(۱) شاید اشاره بیک امر تصادفی هم در اینجا بمورد باشد که طبق خبر مندرج در روزنامه اطلاعات (شماره ۱۱۱۲۷ - ۸ تیرماه ۱۳۴۲) در پانزدهمین جلسه شورای مرکزی دانشگاههای ایران آقای دکتر اسمعیل بیکی شیرازی رئیس سابق دانشگاه مشهد مجدداً بریاست آن دانشگاه انتخاب شده‌اند.

(۲) قریه‌ای هم در حوالی سمرقند بنام شیراز وجود داشته است (نقل از کتاب قندیه چاپ تهران تیرماه ۱۳۳۴ ش) ولی طبعاً استادان کاشیکار زبردست شیرازی از مردم آنجا نبوده‌اند چه استادان هنرمند جزد در شهر بزرگ و مرکز هنری نمیتوانستند پرورش یافت و در کتیبه‌های فراوان آثار تاریخی همه جا استادان کاشیکار یا گچبر یا معمار و امثال آن نام شهر منسوب بخود رانگرمینموده‌اند نه قریه را و قریه شیراز سمرقند واجد شرائطی نبوده است که استادان متعدد کاشیکار را تربیت و بعالم هنر عرضه نماید.

(۳) محقق و نویسنده ارجمند آقای یحیی ذکاء ضمن بر که (فیش) هائی که درباره استادان و هنرمندان مختلف پیشین تنظیم نموده‌اند هفت بر که بنام استاد قوام الدین شیرازی مرقوم داشته از راه لطف و همکاری آنها را با اختیار اینجانب گذارده‌اند و با ملاحظه بر که‌های مزبور اصفه بر اطلاعات مرقوم در دستور گذشته چنین بر میآید که استاد نامبرده ابنیه متعددی هم در هرات ساخته بود و اغلب عمارات ملکه گوهر شاد در آن شهر و همچنین گنبد سبز و مصلی هرات (که در سال ۱۲۶۴ شمسی بدستور امیر عبدالرحمن خان ویران گردید) از کارهای همین استاد بوده است و زمانی هم مورد بی‌مهری شاهرخ قرار گرفت و مدت یکسال اجازه حضور خدمت باوداده نشد و چون استاد آشنا به علم نجوم نیز بود تقویمی استخراج کرد و برای عرضه آن با توسل به بزرگان دربار بحضور شاهرخ رسید و سلطان شاهرخ پس از دیدن استاد قوام الدین و تقویم استخراجی وی تبسمی کرده این بیت را خواند:

تو کار زمین را نکو ساختی که با آسمان نیز پرداختی

استاد قوام الدین شیرازی در غره ماه شعبان سال ۸۴۲ هجری (و بقولی بسال ۸۴۴ هجری)

در گذشته است.

هندوستان نیز از اعقاب امیر تیمور بوده اند (همایون و اکبر و جهانگیر و شاه جهان - که بنای تاج محل بفرمان او برای مدفن همسرش و خودش ساخته شد - به ترتیب خلف هفتم تادهم جهانگشای مزبور بوده اند) و ارتباط ایشان با ایران خواه از جنبه سیاسی و حکومتی و بیش از آن از نظر آثار هنری و ایجاد ابنیه عالی و مظاهر دیگر صنایع ظریفه تا چه پایه رونق داشته است طبعاً ادامه تأثیر هنر استادان شیرازی در آثار شهریاران مغولی هند (پس از آنچه درباره آثار هنری سمرقند و هرات و خراسان توضیح داده شد) امر غیر منتظری نخواهد بود.

بر آنچه توضیح داده شد این نکته را باید افزود که سرزمین فارس در ادوار مختلف اسلامی و بخصوص هنگامی که از نعمت امنیت برخوردار بود روابط تجارتي و دادوستدهای گوناگون با نواحی حول و حوش خلیج فارس و سواحل عربستان و افریقا و سرزمین هندوستان حتی کشورهای خاور دور تا جزایر اقیانوسیه داشت و از این بابت نیز کانون فعالیت‌های نیکوی کشاورزی و بازرگانی بود که آثار آن در کشتزارها و رباط‌های ویران و جاذه‌های فرعی و آبادیهای مختلف فارس نمایان و پایدار می‌باشد و طبعاً با تمرکز و قدرت حکومت در دوران صفوی این قسمت بهتر عملی و ظاهر گردیده است.

دوران صفوی بنوبه خود از ادوار رونق و آبادانی سرزمین فارس بود و بخصوص توجه فراوان شاه عباس کبیر به استفاده شایسته از حاکمیت ایران بر خلیج فارس و توسعه بازرگانی ایران با کشورهای دیگر از راه دریای موجب افزایش کارهای عمرانی در استان فارس گردید و در همان دوران ابنیه تاریخی متعددی نیز بوجود آمد که کاروانسرای قیصریه لار و مدرسه خان و قسمتهای مختلف مسجد جامع شیراز و تکمیل و تزئین آستانه سید علاءالدین و احداث پل خان (در جلگه مرودشت) از جمله آنها است.

افزایش ارتباط فرهنگی و هنری ایران و هند بشرحی که گذشت باعث بوجود آمدن آثار هنری زیادی از ایرانیان در هندوستان شد و ابنیه بس معظم و باشکوهی

به سبک و روش معماری ایران یا معماری مشترک ایران و هند در شبه قارهٔ اخیر احداث گشت، از طرفی این ارتباط وسیله شد تا بناهایی هم در ایران بوجود آید که حاصل مسافرت شخصیت‌های ایرانی به هندوستان و برگردان چنین ارتباطی بشمار میرفت و تا حدی که نگارنده اطلاع دارم دو بنای مشخص متعلق با اواخر عهد صفویه در ایران را میتوان در زمرهٔ اینگونه ابنیه دانست یکی **مسجد حکیم** در اصفهان و دیگری **مسجد جامع داراب**، مسجد حکیم اصفهان از طرف **حکیم داود** پزشک مخصوص شاه صفی و شاه عباس دوم ساخته شد، توضیح آنکه پزشک مزبور مورد بیمه‌ری دربار صفوی واقع گردید و از بیم جان خود به هندوستان رفت و در آنجا مانند بسیاری ایرانیان دیگری که در آن زمان جهت زندگی بهتر و فعالیت‌های مثبت بیشتر رو به هند می‌آوردند (۱) از مال و منصب بهرهٔ وافیه یافت و ملقب به **تقرب خان** گردید و بدفعات سهمی از دارائی خویش را نزد کسانش با اصفهان فرستاد و مسجد حکیم بنام وی در محل مسجد قدیمتر عهد دیلمیان که ویران شده محوطهٔ آن بصورت گورستان در آمده بود ساخته و پرداخته شد و تاریخ مسجد مزبور در کتیبه‌های متعدد آن بخط **محمد رضای امامی** سالهای ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۳ ه. ق ذکر گردیده است (۲).

سبک ساختمان مسجد حکیم مانند مساجد عهد صفویه بوده اثری از کارهای اختصاصی معماری ایرانیان در هند در آن دیده نمیشود چه مباشرین و استادان کار همگی در اصفهان بودند و فقط هزینهٔ بنای مسجد از طرف حکیم داود با اصفهان فرستاده میشده است.

در مسجد جامع داراب برعکس این ترتیب مشاهده میگردد بدین معنی که

(۱) دربارهٔ رفتن ایرانیان به هندوستان در عهد صفویه و هدفهای ایشان از جهت فعالیت‌های بازرگانی و غیره طبعاً نمیتوان در این مورد به توضیح و تفصیل پرداخت خوانندگان ارجحندی که علاقه‌مند به اطلاعات بیشتر در این زمینه باشند ممکن است به مقالهٔ ممتع آقای محمد اسمعیل رضوانی تحت عنوان **قدیمترین ذکر دموکراسی در نوشته‌های فارسی** در مجلهٔ راهنمای کتاب شمارهٔ خرداد ۱۳۴۱ مراجعه فرمایند.

(۲) برای اطلاع بیشتر دربارهٔ مسجد حکیم اصفهان ممکن است بکتاب آثار ایران - نشریهٔ ادارهٔ کل باستانشناسی - جزء اول از جلد دوم چاپ تهران ۱۳۱۸ شمسی (متن فارسی) و چاپ هارلم ۱۹۳۷ میلادی (متن فرانسه) مراجعه نمود.

سبك معماری مشترك ايران و هند بخوبی در آن پدیدار است (۱) و با ملاحظه و امعان نظر درباره این بنای قابل توجه بخوبی میتوان یکی از آثار ارتباط بسیار نزدیک مادی و معنوی ایران و هند را در روزگار پیشین دریافت و چنین ارتباطی منحصر بزمان ساختمان مسجد جامع داراب یعنی قرن یازدهم هجری نبود بلکه از هزاران سال پیش بین مردم مرز و بوم ایران و شبه قاره هند و پاکستان وجود داشته طی قرون اخیر نیز ادامه یافته است و عوامل پایندی اینگونه ارتباطهای ثمر بخش همواره باقی و جاودانی است .

در عهد زندیه یکبار دیگر پایتخت کشور کهنسال ایران در استان تاریخی فارس استقرار مییابد و شهر یار عادل کریمخان زند (۱۱۶۳ تا ۱۱۹۳ هجری) شهر شیراز را برای مقر پادشاهی خویش برمیگزیند و بناهای متعددی از خود در آنجا باقی میگذارد که با وجود انهدام بیمورد و تأسف آور تعدادی از آنها هنوز هم شهر زیبا و روح افزای شیراز کانون اصلی و مهم هنر و معماری شیوای عهد زندیه بشمار میرود .

بمورد میداند اشاره اجمالی باین نکته هم بنماید که معماری عهد زندیه در حقیقت همان معماری عهد صفویه بصورتی ساده و بی پیرایه و مختصر تر است و به شرحی که در تلو صفحات کتاب ضمن توضیح ابنیه کریمخانی شیراز مذکور می افتد مسجد و بازار و حمام و کیل دنباله سبك ساختمان همین گونه ابنیه از عهد صفوی بشمار میرود عامل مشخصی که در معماری عهد زندیه در ابنیه سلطنتی بچشم میخورد ایوان دو ستونی بسیار زیبا و متناسب است که نمونه ای از آن در بنای قدیمی پستخانه شیراز از آثار باقی مانده دوران کریمخان پدیدار مانده است و برای نوع کامل و عالی آن میتوان بنای تخت مرمر طهرانرا ذکر نمود که اساس آن بفرمان کریمخان زند ریخته شد و آنچه از مصالح قابل توجه که حمل آن از شیراز بتهران میسر بود بفرمان

(۱) بقسمت ضمیمه کتاب صفحات ۴۹۳ تا ۴۹۶ و تصاویر مربوط به همان صفحات

آقا محمدخان قاجار در بنای مزبور مورد استفاده قرار گرفت (۱).

بامختصر توجه به بعضی از ابنیه سلطنتی صفویه در مازندران و از جمله کاخ شاه عباس اول در ساری (۲) و کاخ چهلستون اصفهان مخصوصاً ایوان بزرگ دوستونی کاخ اخیر الذکر که مدخل اصلی تالار بزرگ آنرا تشکیل میدهد بخوبی میتوان دریافت که شیوه بسیار زیبای ایوان دوستونی عهد زندیه نیز پیروی اینگونه ایوانها از عهد صفویه بشمار میرود که بوضعی بس متناسب و به تعداد زیاد در دوران زندیه و پس از آن در عهد قاجار به احداث گردیده تقریباً بصورت معماری مشخصی ار شهر شیراز و یادگاری از شهر یارزند در آمده است (۳) و در ابنیه متعدد سلطنتی طهران و حسینیه‌ها و کاخها و باغها و حتی خانه‌های متوسط و معمولی شیراز که در دوران قاجاریه ساخته شده است از اینگونه ایوانهای دوستونی بطور فراوان دیده میشود که هنوز هم بسیاری از آنها برپا و موجود میباشد.

نفوذ معماری دوران زندیه در ابنیه سلطنتی طهران منحصر با استفاده از آنچه برای ساختمان تخت مرمر از شیراز آورده اند یا احداث ایوانهای دوستونی سابق الذکر نیست بلکه آقا محمدخان قاجار علاوه بر استفاده از متعلقات ساختمانی عمارات و کیل در بنای تخت مرمر طهران بسیاری از هنرمندان شیرازی را که استادان زبر دست

(۱) دانشمند و محقق گرامی آقای یحیی ذکاء طی مقالاتی که درباره بنای تاریخی تخت مرمر در مجله هنر و مردم (شماره ۴ بهمن ماه ۱۳۴۱ و شماره ۵ - اردیبهشت ۱۳۴۲ و شماره ۶ خرداد ۱۳۴۲) نگاشته اند باستناد دلایل متقن و نوشته‌های تاریخ کیتی گشا (مربوط بکریمخان زند) بخوبی معلوم داشته اند که طرح و اساس اولیه بنای تخت مرمر بدستور و نظر کریمخان زند ریخته شده بعداً آقا محمدخان قاجار و پس از او شاهان دیگر سلسله مزبور آنرا تغییر داده الحاقات و تزئیناتی در آن بکار بسته اند.

(۲) تصویر قدیمی این کاخ در کتاب باغها و گوشکهای ایران (Persian Gardens and Garden Pavilions) تألیف آقای دونالد ویلبر چاپ توکیو - ۱۹۶۲ (بزبان انگلیسی) ص ۱۲۴/۵ مندرج است و با ملاحظه آن بخوبی شباهت کاخ مزبور به بنای تخت مرمر طهران از هر جهت آشکار و پدیدار میباشد.

(۳) ایوان نادری در قزوین نقشه‌ای تقریباً نظیر نقشه تالار اشرف اصفهان داشت و در قسمت جلو بردوستون بلند چوبی مستحکم و یک پارچه و قطور استوار بود که بر اثر سوانح روزگار رو بپیرانی رفت و در حوادث جنگ دوم جهانی ستونهای چوبی عظیم و نفیس مزبور را بریده قطعه قطعه کردند و در سالهای بعد بقایای بنا نیز منهدم گشته محل آن ضمیمه فضای دبیرستان نوساز شد.

کاشی پزی و نقاشی و حجاری و گچبری و آئینه کاری و امثال آن بودند نیز بطهران آورد نام اینگونه استادان شیرازی در اَبْنِیَّة متعَدِّد دوران قاجاریه در طهران اعم از مساجد و بقاع متبرک و کاخهای سلطنتی و عمارات بزرگان با زمان ناصرالدینشاه (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ ه. ق) که طبق سنت نیکوی قدیمی با اشاره بعمل خود نامشانرا در محل مناسبی بر کاشی یا نقاشی یا اثر دیگر هنری نوشته اند بطور متعَدِّد دیده میشود و بهره مندی وافر طهران را از مکتب هنری شیراز بهتر نمایان میسازد.

ضمناً در دوره شاهان مختلف قاجاریه همّت برخی بزرگان و بانیان نیکو کار فارس در راه تعمیر و احیای بقاع متبرک و ساختمان یا تکمیل و تزئین مساجد زیبا و حسینیه ها و آبادانی یا احداث باغها و کوشکها در شیراز نمودار ادامه پر تو افکنی روح هنر دوست مردم آن سامان است که با وجود کم و کاستی عوامل مهم اینگونه تجلیات خواسته اند شهر شیراز مانند گذشته آنچه را در خور لطف و صفای معنوی و ظاهری آن و شایسته مردم نیکو نهاد فارس است در برداشته باشد.

وجود کلیساها و دایر بودن آنها از دیر زمان در شهر شیراز و خارج آن و بندر بوشهر گواه دیگری از آزادی و آزادمنشی روح مردم فارس محسوب میگردد که پدید آوردن آثار برجسته و شاهکارهای هنری در طی قرون و اعصار نیز فراخور چنین روحیه آزاد و بلند نظری معنوی تواند بود.

بمورد میدانند اشاره باین نکته نماید که در دوران قاجاریه هنر رنگ آمیزی کاشیهای خشتی معروف به هفت رنگ بوسیله استادان با ذوق و زبردست شیرازی بزبائی و دلپسندی هر چه تمامتر جلوه گر شده بود چنانکه نمونه های عالی آن کاشیکاریهای پیشانی بالای ایوان بزرگ حسینیه مشیر^(۱) و مسجد نصیر الملک^(۲) و بالای ایوان باغ ارم و امثال آنست و هنوز هم این هنر عالی بوضع مخصوص و منحصر بفریبوسیله استادان شیرازی انجام پذیر هست چنانکه تصاویر شاهان قدیم و صحنه های زیبائی که با کاشیهای هفت رنگ بر فراز بسیاری از ساختمانهای ادوار اخیر در شیراز دیده میشود گواه پایدار و زنده بودن این هنر شیوا و ظریف است و نمونه بسیار عالی متأخر

(۱) مذکور در صفحه ۷۳ متن کتاب . (۲) ایضاً مذکور در صفحه ۷۳ متن کتاب

آن نیز در کاشیکاریهای بدنه‌های ایوان آرامگاه سعدی بچشم میخورد .
 همین نکته درباره نقاشیهای خوش طرح و زیبائی که بر سقفهای تیر و تخته
 منظم بعضی ابنیه قدیمی شیراز انجام یافته و نمونه‌های آن در اطاقهای شمالی و جنوبی
 عمارت معروف به اندرونی قوام الملك (۱) موجود است نیز صدق مینماید . بطوریکه
 از نقاشیها و تصاویر بعضی کاخهای سلطنتی طهران در دوران ناصرالدینشاه قاجار
 برمیآید این هنر ظریف و این گونه نقش و نگار سقف هم (که اهل فن آنرا مرجوک -
 بروزن مردمک مینامند) مانند هنرهای ظریف دیگر بوسیله استادان شیرازی در ابنیه
 سلطنتی و ساختمانهای مهم دیگر طهران متداول و مورد استفاده واقع گشته بوده است .
 جادار برای حفظ این هنرهای ارزنده که مخصوص و منحصر به خاک شیراز
 جنت طراز و استادان نازک اندیشه و نظر افتکار شیرازی است بهر راه و هر وسیله میسر
 باشد کوشش ثمر بخش بعمل آید و چنین رنگ آمیزی و لعاب و کاشی سازی و نگارگری
 مخصوص شیراز و شیرازی برقرار و باقی بماند و خدای نا کرده روزگاری مجال دریغ
 فراموش ماندن رموز فنی این هنرهای ظریف مورد نیابد .

نیم نگاهی بآینده

باتوجه بآنچه گذشت میتوان پنداشت که یادگارهای باستانی گرانمایه
 سرزمین فارس در تلو کتاب حاضر - با همه نقص و نارسائی آن - به خوانندگان ارجمند
 معرفی خواهد گردید و درباره هر یک از این صفحات گویای تاریخ و گواهیهای جاودانی
 فرهنگ و هنر گذشته ایران زمین مطالبی که فراهم آمده است معروض خواهد
 افتاد ولی ناگفته نتوان گذاشت که لازمه دارا بودن چنین شاهکاری تاریخی و
فرهنگی انجام وظایف و تکالیف درخور آنها است .

مردمی که در طول هزاران سال نمودارهای ذوق سرشار و نیروی معنوی
 خداداد خود را بر سفال و سنگ و استخوان و مفرغ و زروسیم و آهن و مس و کاشی و
 شیشه و پارچه و کاغذ و هر چیز دیگر که آنرا برای تجلی هنرنیکو یافته‌اند
 پدید آورده آثاری چون پاسارگاد و تخت جمشید و نقش رستم و فیروز آباد و بیشاپور
 و سروستان و آتشکده‌های معظم جره و کنارسیاه و بسیاری دیگر نظائر آنها و مساجد

جامع نیریز و جامع عتیق شیراز و جامع سلطانی و کیل و مساجد متعدد بزرگ دیگر و زیارتگاههایی چون آستانه شاه چراغ و سید میر محمد و سید علاء الدین و شاه میر حمزه و سایر اماکن متبرک و کاخها و پلها و کاروانسراها و غیره ایجاد نموده اند و در کوهستان و دشت و هامون سراسر اقلیم پارس یادگارهای فراموش نشدنی از فراز و نشیب زندگانی و هنر و تاریخ ایشان هویدا است همراه میراثهای چند هزار ساله یا چند صدساله خویش و وظیفه مقدس پاسداری و نگهداری و نیکو داشت این مفاخر را نیز جهت فرزندان خود و آیندگان نهاده اند و هر ایرانی پاک سرشت در اجرای چنین خدمتی از جان و دل کوشا بوده و خواهد بود.

نگارنده این سطور در مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی (۱) - فصل پانزدهم - زیر عنوان تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده شمه‌ای از آنچه درباره آثار تاریخی مختلف ایران مورد آرزو و انتظار هر فرد علاقه مندی بنظر میرسیده است مذکور داشته‌ام و اینک از خوانندگان ارجمند اجازه می‌خواهم برخی از نظریات مربوط به یادگارها و مفاخر باستانی سرزمین عزیز پارس را که طی فصل مزبور نوشته شده است در این مورد نقل نماید:

«امید و آرزوی کارکنان باستان شناسی اینست که در تکمیل خدمات فراوانی که در راه حفظ آثار تخت جمشید و بازار گاد (۲) بعمل آمده است روزی فرارسد که تمام آثار بازار گاد و تخت جمشید از آسیب آفتاب و باران و باد و بوته‌های خودرو و جنگلی شکاف سنگها و عوامل دیگر محفوظ بماند و سایر بناهای کنونی که با وسائل

(۱) نشریه اداره کل باستان شناسی چاپ طهران ۱۳۳۴ ش.

(۲) جناب آقای دکتر رضا زاده شفق درباره نام بازار گاد نظری اظهار و آنرا بدرخواست نگارنده کتاب مرقوم فرموده اند که با تقدیم سپاسگزاری عیناً در اینجا نقل میگردد: «سالهای پیش به نظر من رسید که دور نیست کلمه «بازار گادا» در اصل «پارسه گده» بوده باشد که مشعر سرزمین و نژاد پارس است این نظرا بمورخ امریکائی المستد (Olmstead) که بایران آمده بود اظهار نمودم او یادداشت کرد و بعد در مطالعاتی که در امریکا بجا آورد متوجه شد که مورخ یونانی قرن اول میلادی کورنیوس روفوس (Curtius Rufus) هم برخلاف دیگران «پارسه گده» ضبط کرده (تاریخ شاهنشاهی ایران - چاپ شیکاگو ۱۹۴۸ ص ۶۰)»

ذکر این مطلب نیز مناسبت دارد که پیدایش لوح نبشته سنگی بنام خشایارشا و کنجینه نفائس زر دوران هخامنشی ضمن کارهای پائیز سال ۱۳۴۲ هیئت علمی انگلیسی (مذکور در صفحه ۴۰۷) در پاسارگاد میرساند که محل مزبور برخلاف نظر بعضی دانشمندان پس از کورش کبیر هم از مراکز مهم شاهنشاهی هخامنشی بوده است.

وامکانات موجود ساخته شده است به سایبانهای معظم با پایه های آهنی ظریف و بلند تبدیل گردد و بر بالای پایه های سنگی و آستانه ها و پنجره ها و ستونها عایق و حفاظی از ورقه سرب بر روی سنگ الصاق شود یا سایبان مناسب احداث گردد و اجمالاً معلوم باشد که هر قطعه سنگ و هر خرده ریز حجاری بصورت عزیز و نفیس نگهداری میشود و البته لازمه توفیق در اینگونه خدمات علاوه بر وسایل مادی محتاج دانش بیشتر هم میهنان است که از خرد و بزرگ در حفظ آثار مزبور کوشا باشند و با کارکنان و خدمتگزاران آثار تاریخی همکاری و معاضدت نمایند، ترتیب الواح چند حاوی توضیحات و اشعار و عبارات مناسب که اطلاعات مربوط به آثار معظم تخت جمشید را توأم با احساسات ملی بیان نماید در محل های مختلف آنجا نیز از جمله همین هدفها بوده امید میرود زودتر عملی گردد - آغشتن قشری از مواد پلاستیکی شبیه شیشه بر روی نقوش برجسته تخت جمشید و سایر نقوش تاریخی یکی از اقدامات جاری و معمول آئینده بمنظور حفظ آنها از بسیاری از آسیبها خواهد بود و دور نیست که در نتیجه آزمایشهای جدید راه حل های عملی بهتری برای محکم ساختن و استقامت بیشتر اینگونه نقوش در مقابل باد و باران و آفتاب و سایر عوامل طبیعی بدست آید و نیازی به احداث سایبان و اقداماتی نظیر آن در پیش نباشد» (۱)

موضوع حفظ نقوش برجسته سنگی باستانی ایران و از جمله آنها آثار تخت جمشید و بخصوص نقوش بی بدل پلکانهای شرقی کاخ آپادانا و پلکانهای شمالی کاخ مرکزی (سه دروازه) از آغاز خاکبرداری و پدیدار شدن آنها در دوران اعلیحضرت شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر مورد بررسیهای فراوان قرار داشته و دارد و سایبانهای موجود بر روی پلکانهای شرقی کاخ آپادانا در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ و بر روی پلکانهای کاخ مرکزی در سال ۱۳۲۹ بصورت راه حل موقتی احداث گردید تا هر موقع طرح بهتر و موجبات انجام کاری شایسته تر از آن فراهم آید آنرا جایگزین سایبانهای کنونی نمایند، از طرف اداره کل باستان شناسی و سایر مقامات ذیصلاحیت و علاقه مند تلاشها و کوششهای مختلف در این باره مداومت داشته و دارد

(۱) مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی - چاپ تهران ۱۳۳۴ - صفحات ۹-۴۵۸.

چنانکه در سالهای اخیر بر اثر همین گونه اقدامات دوبار کارشناسان یونسکو با ایران اعزام شدند و آثار تخت جمشید و نقش رستم و بیستون را بازدید و گزارشهایی تهیه و تسلیم مقامات مربوط کرده اند و اداره محافظت و آزمایشگاه موزه ایران باستان نیز گزارشهای جامع که حاکی از بررسیهای چندین ساله است تنظیم و به مقامات ذیصلاحیت تسلیم داشته اند که امیدوار است همه این کوششها نتیجتاً رضایت بخش بیار آورد. ضمناً نگارنده کتاب هم در مسافرت کوتاه و توقف چند روز خود در ایتالیا (۱۵ تا ۱۹ مهر ماه ۱۳۴۲) به مؤسسه مرکزی تعمیرات آثار تاریخی ایتالیا در رم [Instituto Centrale del Restauro] مراجعه و چگونگی اقدامات مربوط به حفظ نقوش برجسته باستانی کشور ایتالیا را استفسار نمودم و معلوم شد مقامات ایتالیائی نیز که در راه حفظ آثار سنگی باستانی فراوان کشور خود طی سالیان دراز کوشش بسیار نموده و می نمایند هنوز در این باره به نتیجه قطعی نرسیده اند و در حال حاضر بهترین ترکیب از میان مواد مختلف و آزمایشهای گوناگون برای آغشتن بر روی سنگهای مزبور ماده ترکیبی بنام Vernice (Consolidante 17,43, Relativo Diluente) شناخته شده است که بفرآورد سختی و سستی نوع سنگ مقدار ماده مایع آنرا زیادتر یا کمتر کرده ماده ترکیبی بدرجات مختلف رقیق تر یا خفیف تر آماده مینمایند و بازاء وقت بیشتر آن بر تعداد دفعاتی که روی سنگ میزنند میافزایند و این عمل بی شباهت با آنچه در سالهای گذشته که موم و ترباتین بر روی نقوش برجسته هخامنشی در تخت جمشید و موزان ایران باستان میزدند نیست و اکنون ماده ترکیبی سابق الذکر نتیجه بهتر بخشیده است و طبعاً باید انتظار نتایج بهتر و کاملتر را از آزمایشهای آینده داشت.

طی همان فصل به خاکبرداری و کاوشهای اساسی و صحیح در نقش رستم اشاره و اظهار امیدواری شده است که «وضع محوطه و ابنیه مدفون این عبادتگاه معظم در زمان قدیم روشن گردد و بتوان حق علمی و تاریخی آنرا ادا نمود» و در دنبال آن نسبت به محل تاریخی بسیار مهم فیروزآباد چنین مرقوم رفته است:

«آثار تاریخی فیروزآباد را میتوان بجرئت همردیف آثار تخت جمشید دانست

با این اختلاف که یادگار اردشیر بابکان است - خاکبرداری کاخهای اردشیر و مرمت دیوارها و تجدید قسمتهای فروریخته گنبدهای عظیم سنگی و پر کردن حفره‌های زیر دیوارها و نظافت محوطه درون کاخها و آشکده عظیم آنجا و تعمیر پایه چهار ضلعی معظم سنگی که آتش مقدس در روز کار آبادانی بر فراز آن درون آتشدان پرتو افکن بوده است (۱) و گماردن نگهبان و راهنما و تهیه و نصب الواحی که تاریخچه ابنیه مختلف این محل مهم باستانی در آنها ذکر شده باشد از کارهای بدیهی و ضروری است که باید در آثار فیروز آباد صورت گیرد (۲) ...»

طی سطور و صفحات بعدی همان نشریه درباره سایر خدمات مربوط با آثار تاریخی فیروز آباد و در همین زمینه آنچه مناسب بنظر رسیده است راجع به آثار معظم سروستان و آثار تاریخی برم دلك و قصر ابونصر و ویرانه‌های شهر بیشاپور و نقوش تنگ چوگان و سایر یادگارهای باستانی فارس اظهار امیدواریها و بیش بینیها و قلمفرسائی شده است که طبعاً انتظار میرود در آینده نزدیک یا دور بفرآخور کارهای مثبت و خدمات ثمر بخش دیگر وضع حاضر کشور جامعه عمل پیوشد و فرزندان ارجمند ایران شاهد و ناظر بهبود روز افزون وضع چنین آثار و یادگارهای نیاکان خویش باشند، دوستاناران و علاقه مندان باین مبحث نیز ممکن است به فصل مذکور در نشریه نامبرده مراجعه فرمایند.

یقین دارد که آثار تخت جمشید و فیروز آباد و نظائر آنها نه تنها از نظر سیانت بقایای ابنیه و نقوش برجسته و قسمتهای گرانقدر موجود آنها مورد سرپرستی و دلسوزی های بیشتر و اقدامات فنی اساسی گوناگون واقع خواهد گردید بلکه نمونه‌های کوچک (ماکت) روزگار آبادانی چنین آثار و حتی تجدید ساختمان قسمتهائی از آنها به مقیاس اصلی و طبیعی در محل‌های مناسب نزدیک هر کدام صورت پذیر خواهد گشت و بدین ترتیب حس کنجکاوی بازدید کنندگان

(۱) در سال ۱۳۳۹ شمسی بی‌بندی و تعمیر بنای فوق‌الذکر و برخی تعمیرات بسیار ضروری

کاخ اردشیر در فیروز آباد به‌زینه انجمن آثار ملی صورت گرفت و امید میرود بقیه خدمات بسیار مهم و دامنه دار در این آثار باستانی عظیم هم دیر بازود عملی گردد.

(۲) مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی - چاپ طهران ۱۳۳۴ - صفحه ۴۶۰.

روزافزون ایرانی و غیر ایرانی و علاقه‌مندان فراوان اینگونه یادگاریهای شگرف باستانی تاحدی آرامش خواهد یافت .

آتشکده‌های متعدد که در قسمتهای مختلف سرزمین فارس بصورت نیمه آباد یا نیمه ویران هنوز پامانده هر کدام برگی از تاریخ و گواهی بر یکتاپرستی و ایمان بخدا و توجه به دینداری و معنویت مردم این مرز و بوم است بر اثر پی‌بندیهای صحیح و تعمیرات مناسب استوارتر خواهد ماند و چه بسا ضمن کارهای عمرانی گوناگون از قبیل احداث راههای تازه و اصلاح راههای موجود و انجام خدمات صنعتی و کشاورزی و بازرگانی و ایجاد تأسیسات بندری و کارخانه‌ها و دیگر فعالیتهای مناسب این عصر فرخنده (که در استان فارس در دست عمل و اقدام است) توجه بیشتری هم از طرف مدیران و متصدیان لایق و علاقه‌مند به یادگارهای گذشته نسبت به نیکوداشت این آثار بعمل آید و پاس حرمت آنها و تاحد امکان اقدامات ضروری و شایسته برای نگهداری و تعمیر و آبرومندی چنین اسناد گویای تاریخی انجام گیرد .

آبادانی و رونق مساجد تاریخی و زیارتگاههای معظم فارس همانطور که در مورد گنبد آستانه متبرک شاهچراغ پفرمان مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صورت پذیر گردید و مشهود عام و خاص افتاد از گامهای دیگری خواهد بود که در آینده دربارهٔ اثنیه مذهبی و تاریخی دورانهای اسلامی موجود در فارس در دست عمل قرار خواهد گرفت (۱) و وضع این اثنیه مقدس که روشنی بخش دیدگان و پرتوافکن دل‌های هزاران هزار مردم با اخلاص و نیازمند است بدانگونه که شایسته حرمت و مقام معنوی آنها است در خواهد آمد . به انتظار و آرزوی چنان روزی که این خواسته‌ها برای هرگونه اثر مذهبی و ملی و باستانی ادوار مختلف تاریخی ایران بمرحله عمل در آید بحث در این باره را پایان میبخشد .

(۱) دربارهٔ روشنائی گنبدها و مناره‌ها و ایوانها و محرابها و محوطه‌های داخل و خارج مساجد و زیارتگاهها و آستانه‌های متبرک ایران در پرتو نورافکنها و ترتیب روشنائیهای غیرمستقیم در اینگونه اثنیه نگارنده کتاب در همان فصل پانزدهم مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی (چاپ طهران - ۱۳۳۴) تلوصفحات ۴۷۲ و ۴۷۳ مطالبی را که مناسب دیده‌ام مذکور داشته‌ام و از آستانه‌های متبرک شاه چراغ وسید میرمحمد وسید علاءالدین (ع) شیراز نیز نام برده شده است و علاقه‌مندان بچنین مطالبی ممکن است به نشریهٔ مزبور مراجعه فرمایند .

از خوانندگان گرامی استدعای توجه به چند نکته زیر می‌رود :

۱- در آغاز چاپ کتاب مطالبی که ضمن سالهای متمادی درباره آثار تاریخی فارس فراهم داشته بود تدوین و بچاپخانه سپرده شد ، در طول مدتی که مطالب مزبور بچاپ رسیده تصاویر آن هم آماده میگشت اطلاعات و کشفیات دیگری موجب آمد که قسمتی بنام ذیل با تصاویر مربوط آن بر مطالب اولیه افزوده گردد و چون این امر هم بعلل مختلف بدر ازا انجامید و مجدداً همین وضع پیش آمد نمود قسمت سوم را تحت عنوان **ضمیمه با تصاویر** راجع بآن در دنباله ذیل قرارداد و طبعاً این امر مورد ایراد بسیاری صاحب نظران بوده و خواهد بود ولی از آنجا که تدوین کتابی حاوی اطلاعات کافی و حتی بطور اجمال درباره آثار تاریخی سرزمینی مانند فارس امر دشوار و بسیار طولانی است نگارنده روانداستم از نتایج تحقیقات و اطلاعات تازه آنچه که مناسب است در کتاب حاضر مذکور نیفتد و خواستم کاری را که پس از سالیان دراز آرزومندی بمرحله عمل میدیدم حتی الامکان کمتر ناقص گذارم ، اگر در این مورد امری خلاف ترتیب اینگونه تألیفات بنظر صاحبان اندیشه و نازک بینان برسد با تقاضای توجه به هدف اصلی که از تدوین کتاب در پیش بوده است امیدپوزش دارم و همانند بسیاری ایرادهای دیگر که طبعاً بر این کتاب وارد هست در نشرات بعدی نظیر آن مرتفع خواهد گردید .

با در نظر گرفتن این ترتیب اگر درباره محلی یا راجع بمطلبی که مورد علاقه خواننده ارجمند است در قسمت اصلی کتاب اطلاعی ذکر نشده باشد احتمال آن هست که در قسمت ذیل یا قسمت ضمیمه مذکور افتاده باشد و بهر صورت در اینگونه موارد علاوه بر مراجعه به فهرست مطالب که در آغاز کتاب قرارداد مراجعه به فهرست اعلام یا فهرست اماکن در پایان کتاب نیز مفید بنظر میرسد و اجمالاً ذکر این نکته را شایسته میدانم که با وجود همه کوششها و مجاهدتهای ممکن در جمع آوری اطلاعات مربوط باماکن باستانی فارس و معرفی آثار تاریخی این استان معظم و مهمّ یقین دارد برای پویندگان راه تحقیق درباره اینگونه اماکن و آثار ، کتاب حاضر مرحله بدوی و گام نخستین چنین خدمتی است و دشتها و درهها و کوهسارهای سراسر مرز و بوم فارس چه بسیار بقایای ابنیه و یادگارهای تمدنهای قدیمی را بیرون

از خاک یا نهفته در دل دارد که نامی و اطلاعی از آنها مذکور نگردیده با انتظار تجسسها و کاوشهای آینده فرزندان ایران از نظر و خاطر پیشینیان پوشیده مانده است .

۲- چون اطلاعات بعدی مذکور در قسمت ذیل یا ضمیمه کتاب در چند مورد با آنچه در بادی امر و در قسمت اول کتاب ذکر گردیده است کاملاً مطابقت نمی نماید (۱) طبعاً علت آنرا باید همان کاوشها و تحقیقاتی دانست که پس از چاپ قسمت اول کتاب بدست آمده است و در باره این گونه مطالب که البته صورت استثنائی دارد در محل خود توضیح بیشتر معروض افتاده است .

۳- عکسهای مندرج از بنای آستانه حضرت شاهچراغ (که در صفحه ۲۴۸ دیده میشود) پیش از تجدید گنبد آن برداشته شده است - بر اثر شکست و خطر روز افزون گنبد از چند سال پیش به همت و هزینه مردم نیکو کار فارس خصوصاً اهل شیراز گنبد سابق بر چیده شد و گنبدی تازه با پایه‌ها و کلافهای بتون مسلح و آهن بطرزی اساسی استوار گردید و کار بسیار دشوار بر چیدن گنبد پیشین و تجدید ساختمان آن بوضع کنونی زیر نظر هیئتی از شخصیت‌های مطلع و علاقه مند و با صلاحیت شیراز صورت پذیرفت (۲) و پس از خاتمه بنای گنبد تازه ساز بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی کاشیکاری آن از طرف آستانه متبرک حضرت رضا (ع) بوسیله هنرهای زیبای کشور طبق طرحی که آقای عیسی بهادری رئیس لایق و هنرمند هنرستان هنرهای زیبای اصفهان تهیه کرده‌اند بوضعی بسیار شیوا و ظریف و عالی انجام گرفته است .

۴- بعضی از همکاران و عناصر محترمی که از نوشته‌ها و تحقیقاتشان استفاده و نام شریفشان در تلو صفحات کتاب ذکر شده است در خلال مدت چاپ کتاب تغییر وضع یا تبدیل عنوان و سمت یافته‌اند بنابراین اگر از این بابت مطلبی نادرست بنظر رسید البته علت آن طولانی شدن مدت چاپ و تصاویر و لزوم فرصت برای تکمیل مطالب بوده تقصیر دیگری متوجه نگارنده کتاب نیست .

(۱) نمونه بارز چنین امری موضوع آتشکده‌های مهرنرسی را میتوان دانست که در صفحات ۱۱۳/۶ و ۱۱۹/۲۰ و ۳۷۲ و ۴۸۶/۸ توضیح داده شده است .

(۲) نقشه استخوان بندی فلزی و بتون مسلح گنبد شاهچراغ به هزینه انجمن آثار ملی توسط دفتر فنی آقای مهندس سیحون بوسیله آقای مهندس ا. ر است فرزند دانشمند فقید شادروان نیکلار است (که سالیان متمادی عمر خود را در خدمات مفید علمی و اداری و اجتماعی مربوط بفارس و در آن سرزمین گذرانیده بود) ترسیم شد و باختیار هیئت فوق‌الذکر قرار گرفت .

۵ - در صفحه ۳۳۳ کتاب ضمن ذکر نام شاهنشاهان هخامنشی از **خشایارشای دوم** و **سغدیان** فرزند اردشیر اول (که مجموعاً مدت هشت ماه بین سلطنت اردشیر اول و داریوش دوم سلطنت نموده اند) ذکر می‌بماند. نیامده است علت اینست که در کتاب تخت جمشید (Persepolis) که بشرح مذکور در همان صفحه ملاک فهرست نام شاهنشاهان نامبرده قرار داشت نام دو شهریار مزبور عنوان نگردیده بود بنابراین نوشته های کتب دیگر که نام خشایارشای دوم و سغدیان در آنها برده شده است مورد استفاده نبوده است (۱).

۶ - در مورد نبشته های یادگاری در کاخ کوچک داریوش توضیح مختصری

بشرح زیر معروض میگردد :

پس از پایان اتمام چاپ نبشته های مورد ذکر - که در قسمت ذیل کتاب طی صفحات ۳۳۶ تا ۳۵۰ مندرج است - قسمتهائی از یادداشتهای شخصی نگارنده (در پائین صفحه ۳۳۹ بچگونگی تهیه آنها اشاره رفته است) که سالیان دراز نزد دوستی بس گرانمایه و دانشمند بامانت و فراموشی سپرده شده بود بوسیله دوست معظم له بر حسب تصادف پیدا شد و در دست رسم قرار گرفت و با مراجعه مجدد بآنها مختصر اختلافاتی در توضیح برخی نبشته ها بنظر رسید که جز دو مورد آنها بقیه اهمیت چندان ندارد و اینک دو مورد مزبور را ذیلاً ذکر مینماید :

یک - نوشته یادگاری شماره ۹ (مذکور در صفحه ۳۴۱) در داخل طاقچه سنگی، واقع در ضلع شرقی ایوان بزرگ کاخ کوچک داریوش، نقر گردیده است و محلی که در صفحه ۳۴۱ مرقوم رفته است درست نیست.

دو - نوشته یادگاری شماره ۲۵ (مذکور در صفحه ۳۵۰) نیز بر بدنه غربی دومین پنجره سنگی بین تالار و ایوان (پنجره شرقی مجاور در ورود اصلی تالار) نقر گردیده است و توضیح مربوط به محل آن که در صفحه ۳۵۰ ذکر گشته است صادق نیست.

۷ - با توجه به میدان وسیعی که درباره تهیه کتب و رسالات و هر گونه نشریه حاوی اطلاعات درباره آثار تاریخی گرانقدر ایران عزیز در پیش هست کتاب حاضر مراحل اولیه چنین خدمتی بشمار میرود و بالطبع دارای نواقص زیاد بوده ایراد فراوان بآن وارد میآید، هر گونه ایراد و تذکر و راهنمائیهای مفید و عملی که چراغی فراراه چنین کارهائی در آینده باشد خدمتی شایسته بمفاخر و یادگارهای ایران کهن و منتهی بر خدمتگزاران آنها خواهد بود.

(۱) دوست گرامی و دانشمند آقای احمد بنی احمد از صاحبمنصبان محقق وزارت فرهنگ به سفارش شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ایران کتاب جامعی مشتمل بر نام شاهنشاهان و شهریاران ایران از سلسله ماد تا عصر حاضر تدوین نموده جدولیهائی که حاوی سالهای تاریخ هجری و میلادی مربوط بدوران سلطنت هر یک از شهریاران است در آن تنظیم داشته اند و طبعاً اثر بس مفید و ارزنده ای جهت تاریخ ایران بشمار میرود - نگارنده با ملاحظه نسخه آماده چاپ کتاب مزبور به نکته فوق توجه و تذکر یافته یادآوری آنرا مناسب دیدم و بدینوسیله مراتب سپاسگزاری خود را از مؤلف محترم کتاب مورد ذکر عرضه میدارم.

یادی از پیشقدمان

وسپاسگزاری از سروران گرام و همکاران ارجمند

بحکم کریمه السابقون السابقون اولئک المقربون وبمصدق الفضل
للمتقدم در آغاز این قسمت نگارنده فرض ذمه خود میداند مخصوصاً درود فراوان
به روان دو فرزند برومند فارس نثار نماید - شادروان حاجی میرزا حسن فسائی
مؤلف کتاب فارسنامه ناصری (چاپ طهران ۱۳۱۳ ق) و شادروان فرصت الدوله
شیرازی مؤلف کتاب آثار عجم (چاپ بمبئی - ۱۳۱۴ ق) با شرائط وامکانات
زمان خود حقاً و انصافاً کار بس ارزنده و مهم و فوق العاده دشواری انجام داده اند که
جز همت خستگی ناپذیر و عشق خاموش نشدنیشان عامل و وسیله دیگری نمیتوانست
چنان ثمره ای بیار آورد - در موارد مختلف برای تهیه مطالب کتاب حاضر از دو
کتاب مزبور استفاده گردیده حتی امکان قدیمی هست که در آن دو کتاب مذکور
افتاده و در این کتاب از آنها ذکر نشده است، اگر این بنده توفیق خدمتی ناچیز
نسبت بمعرفی ناقص آثار تاریخی فارس نصیب داشته باشم - گذشته از اقامت چند ساله
در تخت جمشید و مسافرت های متعدد با نجا و بازدید و بررسی آثار تاریخی گوناگون
سرزمین عزیز فارس - تا حد مؤثری درک جزئی از نتیجه زحمات و تتبعات الهام بخش
دوبزرگوار فقید بوده است که جز عرض مختصر سپاسگزاری در این مورد و زینت
بخشودن دو صفحه کتاب به تصویرشان کار دیگری را از عهده خود ساخته نپنداشتم و
پوزش نارسائی ادای حق مطلب را در این مورد میطلبید، پروردگار تعالی غریق
رحمتشان فرماید.

سروران عزیز که طی سالیان دراز در انجمن آثار ملی عمر و همت خود را به
اخلاص تمام در راه خدمات مختلف مربوط به آثار و مفاخر ملی گذرانیده اند (۱)

(۱) جناب آقای دکتر عیسی صدیق یکی از بنیان گذاران انجمن آثار ملی ایران در یادداشت
مورخ ۱۱ خردادماه ۱۳۴۰ شمسی که باینجانب مرحمت نموده اند تأسیس انجمن آثار ملی را
در سال ۱۳۰۱ شمسی مرقوم فرموده اند، در رساله راهنمای انجمن آثار ملی (چاپ طهران ۱۳۲۳
بقیه پاورقی در صفحه سی و یک)